اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و سی و پنجم)

آخر الزمان (قسمت بیست و ششم)

انتخاب (۱)

همانطور که در قسمت قبل بیان شد، سوره تکویر داستان تحول انسان از بدو خلقت تا روز قیامت است. آیات این سوره به مرور تحقق می یابند و تا زمان بگذرد، شدت تحقق این آیات بیشتر میشود. آیات این سوره نشانه های خوبی برای انسان ندارند. آنجایی که می فرماید "و آنگاه که خورشید پوشانده شود و ستاره ها کدر شوند" (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ - وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ)**. یعنی شرایط محیط زیستی بشر به آن سمت خواهد رفت. بشر آنقدر دود و آلایندگی در جو زمین رها کرده است که خورشید بطور واضح مشخص نیست و حتی شبها نمیتوان بطور واضح ستاره ها را دید و این ها خودش نمونه تحقق این آیات است. این آیات به مرور در زندگی انسانها تحقق می**

یابند و ظاهر میشوند و در نهایت به اوج خود می رسند. در قسمتهای قبلی، آیات دیگر سوره تکویر بررسی شد. اینبار دو آیه زیر بررسی میشود.

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾ پرسند چو زان دخترك زنده به گور (٨)

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ به کدامین گناه کشته شده است (٩)

یکی از دلایل مهمی که خدای حکیم عسل را شفابخش معرفی فرموده است طریقه تهیه عسل توسط زنبور عسل است. زنبور با راهنمایی پروردگار عالمیان گل‌ها و گیاهان را انتخاب می‌کند. خدا به زنبور عسل وحی می‌کند تا که راه‌هایی را طی کند که او می‌فرماید.

وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾

و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [=الهام غریزی] کرد که از پاره ای کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته سازی] می کنند خانه هایی برای خود درست کن (٦٨)

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾

سپس از همه میوه ها بخور و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه بپوی [آنگاه] از درون [شکم] آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید در آن برای مردم درمانی است راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می کنند نشانه [قدرت الهی] است (٦٩)

مسیرهایی که زنبور برای تهیه شیره گل و گیاهان طی می‌کند توسط وحی انتخاب می‌شوند (فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ**) و دلیل اصلی شفابخش بودن عسل همین نکته است. نظام رحمانی برای او انتخاب می‌کند. شفابخش بودن عسل به این خاطر است که خدای رحمان روش‌ها و مسیرهای چیدن گل و گیاهان را تعیین می‌کند. مسیرهایی که زنبور برای تهیه شیره گل و گیاهان طی می‌کند توسط خدای رب العالمین (**سُبُلَ رَبِّكِ**) انتخاب می‌شوند و دلیل اصلی شفابخش بودن عسل همین نکته است. هر چیز دیگری و یا هر روش دیگری هم که بخواهید شفا در آن باشد، باید تحت فرمان ربّ باشد، یعنی به پذیرش ربوبیت خدای عالمیان ربط پیدا میکند و طبق آن چیزی باشد که ربّ ما فرمان داده است.**

اگر ما انسان‌ها این مسیرها را از زنبور عسل بگیریم یعنی خاصیت شفابخشی را از عسل گرفته‌ایم. معمولاً انسان‌ها شکر و یا نیشکر را جلوی زنبور عسل می‌گذارند و به این طریق مسیر تهیه عسل را منحرف می‌کنند و خاصیت شفابخش بودن آن را ازش حذف میکنند و به قند عادی تبدیلش میکنند. حتی اگر گل‌هایی را گلچین کنید و جلوی زنبور عسل بگذارید، باز خاصیت شفابخشی عسل را کم کرده‌اید، زیرا انتخاب را از زنبور گرفته اید؛ اگرچه این روش بهتر از شکر و نیشکر است. زنبور باید طبق وحی رب العالمین گلها را بچیند؛ اما وقتی شما گلها را جلو او بگذارید، یعنی انتخاب را از او گرفته اید و به این طریق خاصیت شفابخشی خود را از دست میدهد. زیرا نوع گل ، مکان گل، دوز گل ، مسافت گل و ... را همگی باید زنبور خودش انتخاب کند تا که خاصیت شفا دهندگی او به صد در صد برسد. در آینده انسان پیشرفت زیادی

خواهد کرد و البته در خیلی موارد غیر مفید. ممکن است که به تقلید از زنبور، شیره گل و گیاهان مختلف را بگیرد و آن را ترکیب کند ولی از آنجا که نوع گل، مکان گل، دوز انتخابی، مسافت و ... در شفا دهندگی عسل موثرند ولی انسان نمی تواند این پارامترها را درست تعیین کند و در نتیجه بجای عسل شفا بخش، یک مربا تولید میکند و به نام عسل معرفی میکند.

گاوی که در مزرعه رها شود تا خودش گیاهان را انتخاب کند با گاوی که گیاه محدود و کارتن را به او بخورانید، شیر این دو خیلی از نظر خاصیت و کیفیت متفاوت است. هر چقدر که انسان‌ها روش‌های انتخاب‌ها در طبیعت را دستکاری کنند خاصیت‌های مفید آن را می‌گیرند. به زبان ساده تر اگر انتخاب را از طبیعت و چرخه تولید بگیری و یا محدودش کنید، خاصیت واقعی خودش را از دست میدهد.

اگر آب باران، فوراً جلوی جاری شدن آن را بگیرید و وارد سد کنید، خاصیت‌های مهم آن را گرفته‌اید اما اگر آب باران در کوه‌ها و در دره‌ها و در میان خاک جاری شود خیلی از املاح و مواد مفید را با خود همراه می‌کند و خاصیت شفا دهندگی او بسیار بیشتر میشود.

بچه‌ها به زور به رشته‌های تحصیلی ای می‌روند که هیچ علاقه‌ای به آن ندارند و این نتیجه‌ای به جز بیماری و بیهودگی ندارد. آنها فقط به خاطر پول و موقعیت و مقام‌های اجتماعی آن رشته‌ها را انتخاب می‌کنند. خیلی از دختران و پسران برای علم آموزی درس نمی‌خوانند و بلکه برای به دست آوردن موقعیت‌های کاری و ازدواج، این‌ها را انتخاب می‌کنند که این روش اشتباه است. آنها بزور می خواهند که بچه هایشان را

به دکتر و مهندس و سایر موقعیتهای به ظاهر خوب تبدیل کنند. انسانها باید خودشان انتخاب را انجام دهند و گرنه بی برکت است. گاهی یک شغل کم درآمد که با علاقه انتخاب شده است، از یک شغل پردرآمد و دهن پر کن، پر برکت تر است.

کارکرد نظام رحمانی بر اساس انتخاب‌های هوشمندانه است که خدای رحمان آن را می‌گرداند. اما نظام شیطانی انتخاب‌ها را محدود می‌کند و حتی اجبار میکند. بچه ای که فقط به خاطر پول و موقعیتهای اجتماعی، رشته تحصیلی و شغلی را انتخاب میکند، به یک نوع اجبار تن داده است. اجباری از طرف خانواده و یا اجتماع. یکی که معتاد است، انتخاب‌های بسیار محدودی برای خودش ایجاد کرده است. تمام زندگی او انتخابهای او، تریاک و هیروئین و چند ماده مخدر دیگر است.

آدم و حوا در بهشت بودند و میلیاردها نعمت در اختیارشان بود و خدای حکیم تنها یک درخت را بر آنها حرام کرد. اما شیطان آنان را به سمت آن یکی که خدا منع کرده بود رهنمون شد و همین یک انتخاب مسیر زندگیشان را به دورترین و کوچکترین کره کیهانی به اسم زمین تغییر داد.

دو ایدئولوژی متفاوت در این جهان وجود دارد:

ایدئولوژی رحمانی: همه چیز حلال است بجز این یک درخت

ایدئولوژی شیطانی: همه را ول کنید و بچسبید به این یک درخت

در نظام شیطانی انتخاب‌ها از افراد گرفته می‌شوند و محدود می‌شوند و در نتیجه برکت و شفا از آن جامعه گرفته می‌شود. دولت‌ها در جاهایی کارخانجات می‌سازند که در آنجا آب نیست و یا در آینده با کمبود آب مواجه می‌شود. به این طریق این انتخاب غلط همه چیز را به هم می‌ریزد و باعث مشکلات عدیده‌ای می‌شود. اصلا کفر یعنی انتخاب غلط و ایمان یعنی انتخاب درست. یا به صورت دیگر بیان کنیم: انتخاب غلط در مسیر کفر است و انتخاب درست و رحمانی در مسیر ایمان است.

بعضی افراد می پرسند که آیا نوزاد دختر خوب است یا پسر؟ معمولا افراد در جواب این سوال، شروع به موشکافی میکنند و مزایا و معایب دختر و پسر را لیست میکنند. اما قرآن جواب جداگانه و متفاوتی به این سوال میدهد: هر چه که خدا بدهد همان خوب و مناسب است. آیات آخر سوره لقمان نکات فوق العاده ای را بیان میدارند که سرنوشت آینده بشر به همین یک آیه ربط پیدا میکند:

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۳۴﴾

در حقیقت خداست که علم [به] قیامت نزد اوست و باران را فرو می فرستد و آنچه را که در رحمهاست می داند و کسی نمی داند فردا چه به دست می آورد و کسی نمی داند در کدامین سرزمین می میرد در حقیقت خداست [که] دانای آگاه است (۳۴)

مردم فکر میکنند که بعضی چیزها را در اختیار دارند. البته ممکن است در ظاهر در اختیار هم داشته باشند. اما خدای رحمان در آخرین آیه سوره لقمان، نکته فوق العاده ای می فرماید. آن قادر متعال می فرماید که بعضی چیزها نزد خداست:

۱- **علم ساعت** (عِلْمُ السَّاعَةِ)
۲- **نزول غیث** (وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ)
۳- **آنچه که در ارحام است؟** (وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ)
۴- **فردا چه بدست می آورید؟** (وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا)
۵- **مرگ انسان در کجاست؟** (ما تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ)

در آیه اشاره شده است که تمام این پنج مورد نزد خداست. اگر چه اکنون انسان ادعا میکند که تمام این موارد را میتوان تشخیص داد و حتی تغییر داد. مثلا انسان ادعا دارد که بوسیله روش IVF **میتوان جنسیت جنین را تغییر داد. ظاهرا این روش با تغییر در ترکیب کروموزومهای** X **و** Y **؛ میتواند در تعیین جنسیت دخالت کند. اما این نکته به آن معنا نیست که این آیه زیر سوال رفته است. وقتی خدا می فرماید که علم این موارد نزد خداست، یعنی بهتر است که انسان در تعیین اینها دخالت نکند و به انتخاب خدا بسنده کند. در این گونه موارد، بهتر است که بشر در آن دخالت نکند و خدا را به عنوان بهترین انتخاب کننده بپذیرد. مثلا وقتی مردم در تعیین جنسیت جنین، دخالت میکنند، مرتکب قتل میشوند و باعث عدم تعادل بین جنس مذکر و**

مونث میشوند. هر چند که من معتقدم که بشر نمی تواند جنسیت نوزاد را تغییر دهد و بلکه او فقط جنینی (کروموزومی) که مورد دلخواهش نیست را میکشد و یا منع میکند و اسم این را انتخاب جنسیت نوزاد گذاشته است! زمانی در چین، برای تعیین جنسیت، جنینهای دختر را از بین می برند تا پسردار شوند. در نهایت توازن دختر و پسر به هم خورد و مشکلات غیر قابل پیش بینی رخ داد. مطمئنم که تعیین جنسیت به روشهای اختراعی انسان، نتیجه خوبی نخواهد داشت و خیلی مشکلات ناشناخته پیش خواهد آورد. بهتر است که انسان دست از علم زدگی بردارد و این انتخاب را به خدای عالمیان واگذار کند.

همانطور که گفته شد، حتی اگر زنبور عسل، انواع گل و گیاه جلوش بگذارید، شفای عسل را کم کرده اید. اگر در تعیین جنسیت نوزاد دخالت شود، دیگر برکت و شفا از بچه های نسل بعدی گرفته میشود و یک نسل رباتیک و بی معنا بوجود خواهد آمد که مثل رباتند و هیچ معنویتی در آنها نیست و هدف آنان فقط زندگی نباتی و شهوت و خلسگی خواهد بود. بگذارید جنسیت نوزاد را خود خدا انتخاب کند و به انتخاب خدای رحمان احترام بگذارید و به آن قادر متعال اعتماد و توکل کنید.

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ **يَشَاءُ** إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ **يَشَاءُ** الذُّكُورَ ﴿۴۹﴾

فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن خداست هر چه بخواهد می آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هرکس بخواهد فرزند پسر می دهد (۴۹)

کلمه عربی یَشَاءُ مربوط به همین مورد است. یعنی بگذارید خدای رب العالمین خودش انتخاب کند و به اراده خدای بزرگ تعظیم کنید و از او اطاعت کنید، تا نسل ممتاز با معنویت بالا بوجود آید و نه یک نسل رباتیک ماشینی.

خدای مهربان با بارش باران و سایر نزولات آسمانی، امورات مردم را می چرخاند. اما مردم در این قاعده دستکاری میکنند و مثلا در جایی که آب کم است، محصولاتی می کارند که آب زیاد نیاز دارد و به این طریق مجبور میشوند که آب جاهای دیگر را به آن قسمت از زمین سرازیر کنند و تغییر مسیر دهند. تمام کارخانه ها و مراکز تولیدی در چند شهر بزرگ متمرکز شده است و اینها روش رحمانی نیست و در نتیجه روزی به دردسر تبدیل میشود. شهر ها دارای سدهای بزرگ آب هستند و آب تمام یک منطقه جغرافیایی به سمت آن سرازیر میشود و در این میان، روستاهای آن قسمت بی آب میشوند ولی شهری ها آب فراوان در اختیارشان است و هر روز دوش می گیرند و ماشینشان را می شویند. بشر در انتخابهایش، عدالت را برقرار نمی کند و در نتیجه محیط زیست خود را به خطر می اندازد. اگر محیط زیست جایی خراب شد، یعنی عدالت در آنجا رعایت نشده است.

براساس آیه فوق، خدای توانا انسان را در دو حالت مذکر و یا مونث خلق میکند و جنس سومی در کار نیست (يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ). حتی اگر انسانی مادرزادی مشکلاتی در اعضای تناسلی خود داشته باشد، دلیل بر جنس سوم بودن او نیست. بلکه او یا مذکر است و یا مونث و حالت سومی وجود ندارد.

ظاهرا انسان جاهل و نادان میتواند ادعا کند که آیه آخر سوره لقمان را نقض کرده است و مثلا میتواند ادعا کند که میتواند جنسیت نوزاد را تعیین کند. ولی در اینجا توانستن مطرح نیست؛ بلکه بحث بر سر این است که آیا اصلا اینکار درست و صحیح است؟ قسمت دیگر آیه می فرماید که (ما تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ) **یعنی علم اینکه انسان در کجا می میرد، نزد خداست. اما انسان مغرور میتواند ادعا کند که میتواند طریقه مرگ و بالتبع مکان مرگش را بوسیله داروهای شیمیایی انتخاب کند. اگر چه این کار شدنی است. اما آیا کار صحیحی است؟ خیر.**

انسان بوسیله تسلطش میتواند کارهای احمقانه ای انجام دهد. در بحث بین پیامبر ابراهیم و نمرود این مساله بسیار هویداست. پیامبر ابراهیم می گوید که خدای من می میراند و زنده میکند و نمرود برای منتفی کردن این دلیل، یک زندانی را در زندان میکشد و یک زندانی دیگر را آزاد میکند و به این طریق تسلط خود را به نمایش می گذارد. اما وقتی پیامبر ابراهیم، مساله ای خارج از تسلط نمرود بیان میدارد و میگوید که اگر راست می گویید، خورشید را از سمت دیگر بیرون آر. در این حالت نمرود میماند و بادش می خوابد. اختیارات خیلی مهم نمرود کشتن زندانی و یا آزاد کردن زندانی بود. بشر با تفکرات مسخره و کوته بینانه خود میخواهد جا پای نظام رحمانی بگذارد.

انسان میتواند تمام نکات آخرین آیه سوره لقمان را نقض کند ولی این به معنای نابودی خودش است. مثلا میتواند هر کدام از نکات آیه را بصورت زیر نقض کند:

۱- **علم ساعت** (عِلْمُ السَّاعَةِ) : **دستکاری در زمان خواب و بیداری و شب و روز**
۲- **نزول غیث** (وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ) : **دستکاری در توزیع عادلانه آب و سایر نزولات**
۳- **آنچه که در ارحام است؟** (وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ): **دستکاری در جنین و قتل جنینی که نمیخواهد**
۴- **فردا چه بدست می آورید؟** (وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا) : **روآوردن به پیش بینیهای مسخره و فال گیری و کف بینی و ...**
۵- **مرگ انسان در کجاست؟** (ما تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ) : **خودکشی و رو آوردن به روشهای شیمیایی درمانی و ...**

بعضی دخالتها، که به ظاهر علمی هم هستند، در عمق خود، مشکلات دیگری را می آفرینند و با نظام رحمانی ناسازگاری پیش می آورند و کم کم از نظام رحمانی جدا میشوند. این را رجم شدن می گویند. انسان با دخالت در اموراتی که اراده آن فقط شایسته رب العالمین است، خود را رجم میکند و به این میگویند خود را رجم کردن. وقتی پنج مورد آیه بالایی نقض شود، آخر الزمان است و کار زمین به پایان می رسد و داستان زندگی جاهلانه انسان روی زمین تمام میشود.

یک خوشه گندم در نظام طبیعی که خدا آفریده است، طی مراحلی رشد می یابد که در واقع پرورش می یابد. وقتی گندم رشد میکند و سر از خاک در می آورد، کم کم رشد میکند. هر روز باد به این خوشه میخورد. خوشه گندم در مقابل فشار باد مقاومت میکند تا که نیفتد. این خوشه گندم گاهی تا یک متر بلند میشود با یک ساقه باریک

ولی مقاوم رشد می یابد. طوریکه یاد گرفته است در مقابل فشارهای باد مقاومت کند و نشکند. اما همین گندم اگر در گلخانه رشد کند؛ نمی تواند چنین شرایطی را تجربه کند و این گندم کیفیت گندم طبیعی را ندارد. وقتی محصولات در شرایط رحمانی و طبیعی رشد نکنند، کیفیت خوبی هم نخواهند داشت. فرزندی که در شرایط رحمانی رشد نکند و مصنوعی بار آید، دیگر کیفیت خوبی هم نخواهد داشت. باید تربیت خدای بزرگ را بپذیرد و طبق دستورات خدا عمل کند تا مثل ساقه گندم مقاوم بار آید و معنویت خوبی کسب کند. باید باد و مشکلات و فشارهای روزگار به بچه ها بخورد تا بچه مفید و با کیفیت بار آید. بعضی ها می گویند که آنقدر رفاه برای بچه هایم فراهم میکنم که قند تو دلش آب نشود و البته این نوع رفاه بسیار مضر و بد است.

ما طوری آفریده شده ایم که محدودیتهایی داریم. مثلا ما نمیتوانیم جلو تنفس خویش را بگیریم. اگر کسی با چکش روی زانوی ما بزند، ناخودآگاه عکس العمل نشان میدهیم. ما در موقع خطر واقعی همچون زلزله و تصادفات، رفتارهای کاملا متفاوتی از خود بروز میدهیم و بعضی از آنها از کنترل خودمان خارج است و غیر ارادی است. موقع خطر روی کَشتی، انسان غیر خدا را از یاد می برد و از خدا طلب کمک میکند. البته این رفتارهای غیر ارادی، به حساب نمی آیند. بلکه خدا از ما میخواهد که در شرایط عادی و نرمال، آزادانه و آگاهانه، خدا را انتخاب کنیم. اعمال ارادی ماست که نزد خدا با ارزش است و باعث رشد نفس ما میشود. بنابراین توبه در شرایط عادی قابل قبول است و نه در شرایط اجبار. اجباری کردن دین بی معناست. زیرا اصلا

ماهیت دین در اختیاری بودنش است. اجباری کردن دین با تکذیب دین هیچ فرقی ندارد، زیرا انتخاب دین جزو ماهیت اصلی دین است. خدا بی دینی را قبول ندارد ولی اجبار هم نمی کند. خدا خالق و آفریننده ماست و بهتر از هر کسی میتواند ما را اجبار کند، اما این انتخاب را بر عهده خود ما گذاشته است (لا اکراه فی الدین). خدا انسان با کیفیت میخواهد و نه انسان ماشینی و رباتیک. اعدام مرتد بی معناست. خدا هیچ جای قرآن، برای کسی که دین را رد میکند، اعدام نگذاشته است و این یک قانون بی معنا و ضد رحمانی است.

هیچ پیامبری دین را به مردم اجبار نکرده است، بلکه فقط نصیحت کرده است. جنگهای پیامبر محمد با مشرکین بخاطر دفاع از خود بود و نه اجبار دین به آنها. متاسفانه مردم نصیحت کنندگان را دوست ندارند، زیرا فکر میکنند نصیحت کنندگان آزادی انتخاب آنان را می گیرند.

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾

پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیر خواهی امینم (۶۸)

با مطالعه آیات قرآنی متوجه خواهیم شد که فرق مهمی بین جهنم و بهشت است و آن این است که جهنم یک انتخاب است که انسان خود آن را انتخاب میکند. اما بهشت را خدا خودش برای مومنان انتخاب میکند. خدا از انسان خیلی خیلی بخشنده تر و مهربانتر است. خدای حکیم بهترین انتخاب کنندگان است. اگر انسان به حال

خود رها شود و از دستورات من در آوردی خودش پیروی کند، در نهایت به جهنم خواهد رسید. اما خدا ما را به شرایط بهشت میرساند. انسان خودش انتخاب کرد که به اینجا روی کره زمین بیاید و شاهد این همه ناملایمات و بی عدالتی ها باشد. این اولین انتخاب جاهلانه و ظالمانه انسان بود که مبدا و منشاء تمام انتخابهای دیگرش هم از همین بر می خیزد.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿۷۲﴾

ما امانت [الهی و بار انتخاب] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناك شدند و[لی] انسان آن را انتخاب کرد، براستی او ستمگری نادان بود (۷۲)

جالب است که در آیه بعدی، دلیل این کار بیان شده است تا که منافق و مشرک و مومن از هم جدا شوند.

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷۳﴾

[آری چنین است] تا خدا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرك را عذاب کند و توبه مردان و زنان با ایمان را بپذیرد و خدا همواره آمرزنده مهربان است (۷۳)

قبول این مسئولیت توسط انسان، ذاتا دارای خطرات فراوانی بود که خدای رحمان با آن موافق نبود و به همین خاطر در آخر آیه، انسان را ظالم و نادان خطاب میکند. خدا

از این انتخاب انسان راضی نبود. زیرا انسان ترجیح داد که خود را بر خدا ترجیح دهد. دیگر موجودات این حماقت انسان را مرتکب نشدند و حاضر نشدند روی موجودیت خویش قمار کنند. خدا مخالف این انتخاب بود ولی اجبار نکرد و شرایط را برای این انتخاب انسان فراهم کرد. روشی که انسان انتخاب کرد، قمار بود، یک هیجان کاذب و خطرناک بود. آدمی حتی اگر قمار هم بکند، سر موجودیت خویش و اصل خویش قمار نکند. در این قمار، قطعا انسان باخته است و همین حالا نتیجه مشخص است. انسان با این انتخاب میخواهد بگوید که ساخته های دست خود بر نعمات رحمانی می ارزد. اما حتی با این وصف، خدای عالمیان آنقدر مهربان است، که در راهی که انسان انتخاب کرده است، باز او را کمک میکند و حتی اکتشافاتی در ذهن او می اندازد. تمام اختراعات مفید را خدا خودش در ذهن انسانها می اندازد. خدا اختراع چیزهایی را در ذهن انسان می اندازد که خود انسان با آن همه ادعا به ذهنش نمی رسد؛ همانطور که آیه زیر می فرماید (وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ **). یعنی در آینده چیزهایی را در ذهن بشر می اندازد که بشر نمیداند. البته انسان جاهل فکر میکند که تکنولوژی کنونی را خودش اختراع کرده است.**

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾

و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد] و آنچه را نمیدانید می آفریند (٨)

با قبول امانت، انسان، بزرگی خدا را زیر سوال برد و آن را انکار کرد و جهالت خود را همان موقع آشکار کرد. بنابراین داستان آزادی انسان، داستان قبل از آمدن ما به زمین است. انسان به خیال خود خواست که خودش آزادانه روشها را انتخاب کند. اما حالا در گِل مانده است و آرزوی همان بهشتی را دارد که از آنجا بیرون رانده شد.

کسی که عابر بانک را اختراع کرد، ابتدا رمزش را شش رقمی در نظر گرفته بود. اما زن او گفت که حفظ شش رقم سخت است و بهتر است آن را چهار رقمی کند. بعضی ساده سازی ها و ظرافتها و نکته سنجی ها در اجتماع به پیشنهاد زنان انجام شده است. زن و مرد در کنار هم، وظایف متفاوتی دارند و در این حالت برای اجتماع مفیدند. اگر مردان تنها بودند و زنان به عنوان ازواج در کنار آنان نبودند، شاید مردان در زندگی به یک قابلمه و تابه و دو قاشق و چنگال بسنده میکردند. اما زنان در این مورد سلیقه بهتری دارند و مقداری ظرافت و زیبایی به این امور داده اند. مردان و زنان بصورت زوج آفریده شده اند و هر کدام بدون دیگری، راه غلط را طی میکنند. اما اگر زنان بخواهند فمنیست شوند و مردانه فکر کنند، در آن صورت باز راه و روش اشتباه خواهد بود. وقتی زنان یک جامعه فمنیست شوند، فشار اجتماعی روی آن جامعه چندین برابر میشود. دیگر زنان و مردان و سایر اعضای خانواده کار مجزا میخواهند، ماشین مجزا میخواهند، خانه مجزا میخواهند و ... مثل این است که به یکباره جمعیت را چند برابر کنید. در حالت عادی، خانواده ملاک قرار می گرفت و برای هر خانواده ای یک شغل، یک وسیله نقلیه، یک نان آور کافی بود. اما وقتی انسانها در سطح خانواده از هم بپاشند و ازدواج نکنند، دیگر کانون خانواده تجزیه و شکافته میشود و

شبه خانواده هایی ایجاد میشوند و فشار بیش از حد به اجتماع وارد میشود. خدای حکیم، در اجتماع، کوچکترین نهاد را خانواده قرار داده است. اما انسانها آن را تجزیه میکنند و از هم دور میشوند. این نوع انتخابها اشتباه است. روی بعضی انتخابها نباید زیاد اصرار کرد. حقانیت انتخابها را به خدا واگذارید. مباهله در سطح خانواده روشی برای زمان به بن بست رسیدن در انتخاب است. یعنی بعد از آن دیگر تجزیه نکنید. آیه مباهله این نکته را برای ما بیان میدارد. یعنی بگذارید آخرین نود و نهاد خانواده باشد.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿۶۱﴾

پس هر كه در اين [باره] پس از دانشى كه تو را [حاصل] آمده با تو محاجه كند بگو بياييد پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما و شما را فرا خوانيم سپس مباهله كنيم و لعنت خدا را بر دروغگويان قرار دهيم (۶۱)

آیه مباهله معنای دیگری هم دارد. خدا در این آیه دارد سیستم گفتار دو طرفه صحیح و سالم را به ما یاد میدهد. خدا در این سیستم صحیح سه نوع گفتگو و طرز تفکر (أَبْنَاءَ وَ أَنْفُس وَ نِسَاءَ**) را در نظر می گیرد. یعنی:**

أَبْنَاءَ : سیستم تفکری و مجادله بچگانه

نِسَاءَ: سیستم تفکری و مجادله زنانه

أَنْفُس: سیستم تفکری و مجادله مردانه

خدا به مجادله کنندگان می فرماید که سیستم خدا کلی است و در هر سه قشر جامعه صحیح است و به واقعیت نزدیکتر است. دلایلی که خدا برای دین در نظر می گیرد، برای کودکان، زنان و مردان، هر سه گروه مناسب است. خدای مهربان به مومنان دستور میدهد که خیلی اهل مجادله الکی و بیفایده نباشند. اگر کسی حرف حق را قبول نکرد، بهتر است که روش خود را از آنها جدا کنید و زیاد با آنها بحث نکنید. خدا نمیخواهد بعضی بحثها و مجادله ها تا قیامت ادامه یابد، بلکه باید در یک نقطه ای راه خود را جدا کنید. خدا می فرماید لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ **: یعنی هر کس به دین خودش و اجباری در دین نیست.**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای رحمتگر مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ بگو ای کافران (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾آنچه می پرستید نمی پرستم (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾و آنچه می پرستم شما نمی پرستید (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾و نه آنچه پرستیدید من می پرستم (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾و نه آنچه می پرستم شما می پرستید (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)

ما نمی توانیم خودمان به اختراع خودمان، معنویت کسب کنیم. شما همین حالا بروید ده تا فیلم نگاه کن و در نهایت خسته میشوید. اما یک اتفاقی سر راه شما قرار می گیرد و شما آن را در زندگی واقعی خود حل می کنید؛ به اندازه صد برابر این فیلمها، معنویت به شما یاد میدهد. معنویتها را بگذارید نظام رحمانی برایمان انتخاب کند و این به سود ماست. خدا رب العالمین است و بهتر از هر کسی خوراک معنوی ما را میداند. بگذارید خنده ها و گریه ها را خدای عالمیان برایمان انتخاب کند و نه کارشناس جوک و استنداپ کمدی و روشهای مصنوعی دیگر.

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿۴۳﴾ و هم اوست که می خنداند و می گریاند (۴۳)
وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿۴۴﴾ و هم اوست که می میراند و زنده می گرداند (۴۴)وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى ﴿۴۵﴾ و هم اوست که دو نوع می آفریند نر و ماده (۴۵)

خنده و گریه هایی که خدا خودش بر ما جاری میکند و ناشی از حوادث طبیعی و رحمانی باشد، در سلامت روانی ما تاثیرگزار است و منجر به شکر گزاری و ذکر و یاد نام مبارک خدا میشود. برخلاف باور عموم، جوک تعریف کردن ، به معنای خنده واقعی نیست و بلکه یک خنده مصنوعی است و هیچ تاثیری در روان انسان ندارد. و فقط شما را از درمان واقعی دور میکند. افرادی هستند که هفتگی هزینه های زیادی در کنسرتهای موسیقی میکنند برای کمی گریه و خنده مصنوعی.

بعضی شاخه های روانشناسی می گویند که همیشه خوشحال باش، همیشه شاد باش و ... و یا بعضی آهنگها می گویند که همیشه غمگین باش، همیشه در گیرخود باش و ... تمام اینها خنده ها و گریه ها مصنوعی هستند و گریه و خنده واقعی فقط در نظام رحمانی امکان پذیر است و لاغیر. خنده هایی که واقعا انسان را خوشحال کند و تاثیر عمیقی روی روان آدمی دارد. در نظام رحمانی باشید و بگذارید خدا خوشحالتان کند. آیات قرآن نباید انتخابی شود و بلکه باید به کلیت قرآن ایمان بیاوریم و نباید به قسمتی ایمان آوریم و به قسمتی ایمان نیاوریم. به تمام رسولان باید ایمان آوریم و نه فقط به تعدادی. پیامبر محمد از رسولان دیگر بالاتر نیست و بلکه رسولی است مثل رسولان قبلی. ما موظفیم به همه آنها بدون استثناء ایمان آوریم.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ
وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾

کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می ورزند و می خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند و می گویند ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می کنیم و می خواهند میان این [دو] راهی برای خود اختیار کنند (۱۵۰)

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٥١﴾

آنان در حقیقت کافرند و ما برای کافران عذابی خفت آور آماده کرده ایم (۱۵۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
رَحِيمًا ﴿١٥٢﴾

و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیچ کدام از آنان فرق نمی گذارند به زودی [خدا] پاداش آنان را عطا می کند و خدا آمرزنده مهربان است (۱۵۲)

قرآن شفای قلبهاست ولی اگر قرآن و آیاتش انتخابی شود، دیگر شفا بخش نیست و حتی ممکن است دچار خسران شود. مثلا فمنیستهای مسلمان عملا به تمام آیات قرآن ایمان ندارند و معانی بعضی آیات که به ضررشان است را منحرف میکنند.

جامعه جهانی به سمت و سوی جامعه جهانی واحد میرود؛ اما نه در جهت مثبت؛ بلکه در جهت منفی. این جامعه دیگر مرز نمی شناسد و اگر رئیس قدرتمندترین کشور دنیا بسرفد؛ در قیمتهای جهانی تاثیر گزار است. قبلا ما انتخابهای زیادی داشتیم ولی حالا سیاستهای قدرتهای بزرگ بصورت آبشاری در زندگی عادی ما هم تاثیر گزار است. این سیاستها انتخابهای ما را محدود میکنند. زمانی خواهد رسید که کشورهای دنیا مثل یک ایالت کوچک از قدرتهای بزرگ هستند. همین حالا خیلی کشورها چشمشان دنبال ترامپ است تا که ببینند چه می گوید و چه تصمیمی می گیرد. دنیا رو به تک رهبری میرود. قبلا انسانها خیلی چیزها را ذخیره می کردند ولی حالا نمی توان ذخیره کرد. ثروتمندترین فرد جهان هم مجبور است کار کند. مردم مجبورند که قوانین و مقررات کشورهای بالایی ها را بپذیرند و محدودترمیشوند و دامنه انتخابهایشان تنگتر میشود. دنیا دارد رو به تک رهبری میرود؛ مردم

زندگیشان سخت تر میشود و مجبورند که بعضی امورات خود را دست دولتها بسپارند و دولتها هم در عقاید و مرام آنان دخالت خواهند کرد. جوری خواهد شد که اگر مثلا مریض شوی و نخواهی پیش مراکز درمانی شیمیایی بروی؛ بهت گیر میدهند و به عنوان ویروس و مختل کننده امور اجتماع شناخته میشوی. اینها انسان را به سمت ربات گونگی میبرد. بعضی امورات به ما اجبار شده است. مثلا ما نمی توانیم موبایلمان را کنار بگذاریم، زیرا بدون آن زندگی میسر نیست. نظام نوین جهانی اتوماتیک بوجود میاید و شرایط جامعه جهانی در برآیند کلی به آن سمت خواهد رفت و این همان مهیا نمودن شرایط آخر الزمانی است. اگر همین حالا یکی از زمان گذشته را به زمان حال بیاورند و وضعیت امروز ما را ببیند، دو سه ساعت به این وضعیت می خندد.

در آینده برای ازدواج سایتهایی تشکیل میشود و سلایق و خصوصیات افراد در آن نگهداری میشود و باید طبق این فرآیند ازدواج کنید و حتی ممکن است که خود سایت از طریق هوش مصنوعی همسر افراد را انتخاب کند و اجبار به ازدواج هم بکند. به این طریق ساده ترین انتخابها هم از انسان گرفته خواهد شد. انسانی که به نظر خویش برای انتخاب بهتر از انتخاب خدای رحمان به روی زمین آمد، کم کم تمام انتخابهایش را از دست میدهد. حالا معنای آیات زیر را خیلی خوب میتوان فهمید.

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾ از انتخابهای کشته شده سوال میشود. (۸)

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ به کدامین گناه از بین رفته است (۹)

کلمه الْمَوْءُودَةُ **فقط به معنای نوزاد دختر نیست و بلکه به معانی زیر هم هست.**
الْمَوْءُودَةُ = **نوزاد دختر، نوزاد پسر، استعدادهای خدادادی، توانایی های اولیه، انتخابهای نظام رحمانی، انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب رشته تحصیلی و ...**

جامعه جدید بشری این موارد را از بین خواهد برد و آن را به صورت اجباری (اجبار سیستماتیک) در می آورد و البته شاید در ظاهر یک کمی انتخاب و آپشن هم داشته باشد. کم کم به آن نتیجه می رسیم که:

ای انسان تو در حد آن نیستی که در بعضی چیزها دخالت کنید و ای کاش بهتر بود که به انتخاب نظام رحمانی احترام می گذاشتید و باعث این همه ناعدالتی نمی شدید.